

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

هوادار پورتال - ازدنمارک

۲۹ می ۲۰۱۱

ننگ بر ننگین دادفر سپینتا

"گلّه های سراسر جهان متحد شوید!"

گرچه مقاله بالا چند روز قبل در مطبوعات کابل به چاپ رسیده است ولی گمان می کنم که چند سال پیش درسایت گفتمان گذاشته شده بود. همان طوری که آقای «توانا» گفته اند ، داکتر ننگین دادفر سپینتا عنوان مقاله خود را عمداً غرض توهین به انقلاب اکتبر و توهین به رهبران راستین آن انقلاب پرولتری انتخاب نموده است. من نمی خواهم همه آنچه را محترم «توانا» با دقت و به شیوه نگارش خاص خود به توجه خوانندگان محترم این پورتال وطنپرستان و انقلابیون آورده اند ، دوباره تکرار نمایم ولی این دونکته را باز هم یاد آور می شوم که داکتر ننگین سپینتا با این کار خود از یکطرف به سردمداران اشغالگر چشمک می زند که ببینند این نوکر گوش به فرمان شان تا چه حدی می تواند انقلاب و انقلابیون را به مسخره بگیرد و متناسب با آن می تواند نزد مقامات قصر سفید ، فارن آفیس و غیره و غیره قابل اعتماد باشد. ولی نکته دیگری را هم باید از یاد نبرد. خواندن مقاله آقای حمید «توانا» با عنوان **"گلّه های وطنفروش سراسر افغانستان متحد شوید!"** مرابه یاد یکی از جریانات پانزده سال قبل انداخت.

اگر ضعف حافظه غلبه نکند، فکرمی کنم سال ۱۹۹۴ بود که شورا یا «شوربای» دموکراسی کنفرانسی را در شهر کلن المان دایر کرد. در این قسمت از خوانندگان محترمی که در جریان بوده باشند خواهشمندم تا مرا کمک نمایند تا اگر جزئیات نادرست باشد، آنها را لطف نموده بعداً اصلاح نمایند زیرا نه موضوع دایر نمودن کنفرانس به یادم هست و نه هم محل دقیق آن؛ ولی سر رشته کارها را داکتر رسول رحیم به عهده داشت و این اشخاص تا جایی که من شناخت داشتم در آن مجلس حاضر بودند: داکتر عزیزگردیزی ، غنی اتمر ، زنده یاد حسیب مهمند ، زنده یاد استاد یوسف مومند ، زنده یاد رحیم یغمانی ، استاد اسحاق نگارگر ، داکتر اعظم دادفر ، باقی سمندر ، معراج امیری و عده دیگری اعم از مردان و زنان که در آن محفل برای استماع سخنرانی ها گردآمده بودند.

اینکه داکتر رسول رحیم به گونه مقالات طولانی و یکنواختش در نشریه فریاد، در سخنرانی خود ساعتی تمام چه گفت، به سبب بی علاقه بودن به آن حتا در همان وقت، به یادم نیست. همینقدر به خاطر می آورم که از بس دموکراسی دموکراسی گفت، حوصله استاد یوسف مومند سرآمده و هنوز از جای خود تا صدر مجلس نرسیده بود که با

خُلق تنگی تکرار می کرد: آلی بگوئین که ای دموکراسی خوردنیس؟ ای دموکراسی پوشیدنیس؟ که باعث خنده و همدردی حضار شد.

آقای نگارگر هم با سابقه گویا چپ خود در آن جا حضور داشت و با حکایت جریانات زندگی خصوصی خود گویا بذله گوئی می کرد که سخت مضحک و بیجا بود. ماند داکتر اعظم دادفر که بسیار عالمانه و مسلکی، موضوع به تحلیل رفتن و اضمحلال قدرت و صلاحیت پدری را در خانواده در جلاوطنی و تاثیرات و عوارض آن را بر حیات اعضای خانواده برای حضار تحلیل و بررسی می نمود. ولی آنچه کاملاً دقیق به خاطر مانده، چند کلمه از زبان داکتر **ننگین** سپینتا است. تصویر وی را کاملاً در ذهن خود دارم که در برابر حضار با نوعی عصبانیت در حالیکه بدون وقفه بازوان خود را تکان داده و فولک و بالک می زد، مکرراً می گفت:

رفقاء! رفقاء! من به اون چیزی که سابق عقیده داشتم دیگر عقیده ندارم... البته کمتر کسی ممکن هدف وی را پی نبرده باشد که جناب شان پشت نمودن خود به مارکسیزم - لنینیسم را می خواستند به حاضران ابلاغ نموده و از آن روز به بعد خود را با کدام تعهدی پابند ندانند. در آن وقت با وجودی که این عمل وی باعث تعجب زیاد من نشد ولی سوالاتی در ذهنم خطور کرد. مثلاً در زمانی که وی هنوز در آلمان عضو «فازا» بود از یک تن که خود در آلمان به سر می برد و در جریانات سیاسی افغانها در آنجا اشتراک داشت شنیدم که داکتر **ننگین** سپینتا به وی گفته بود: "ولا تا زمانی که به امریکای لاتین سفر ننموده بودیم نمی دانستیم که دم ما در کجاها بسته است..." گویا منظور **ننگین** سپینتا (سی آی ای) بوده. من در آن زمان با شنیدن این موضوع چنین برداشت کردم که حتماً داکتر **ننگین** سپینتا با درک وابستگی هائی که در آن گیر افتاده بود، به خود آمده نه تنها به راه درست چپ برخواید گشت بلکه خائنین و جواسیسی را که شناسائی نموده است هم به مردم و به انقلابیون افشاء خواهد نمود. به هر صورت آن موضوع و آن تذکر در آن وقت صرفاً یک آوازه بود که من شنیدم. ولی وقتی من آن توبه کشیدن **ننگین** سپینتا را از مارکسیزم - لنینیسم (که من مطمئن هستم هیچگاه واقعاً به اندیشه های انقلابی اعتقادی نداشته است) و بعداً وزیر خارجه شدن او را در دولت پوشالی ساخته شده توسط سی آی ای دیدم، همه موضوعات دوباره به ذهن آمده و به این نتیجه رسیدم که داکتر **ننگین** سپینتا از سال های دور به اینطرف برای ترفیع نزد بادران امریکائی زحمت و عرق فشانی می نموده است.

غیر این موضوع به هیچوجه بوده نمی تواند زیرا کدام انسان با عقل سلیم می تواند قبول نماید که دستگاه جهنمی مافیایی بین القاره ای به نام سی آی ای، یک شخصی با سابقه به اصطلاح چپی را آورده و تا آن حدی مورد اعتماد قرار بدهد که در یک مملکت تحت استعمار خود که از مردم آن شناخت بسیار سطحی دارد، آن "چپی" را نه مدیر و رئیس بلکه وزیر، آنها هم وزیر خارجه مقرر نماید؟ وقایع جهان و کودتاهای بیشمار از سالها به اینطرف نشان داده است که استعمار کارگشته ترین افراد و معتمد ترین جواسیس خود را در مقامات کلیدی نصب می نماید تا از خانه زاد بودن و گوش به فرمان بودن آنها مطمئن باشد. ما دیدم که هر دو "دادفر" به مردم خیانت نمودند و وطن را به استعمار امریکا و شرکاء فروختند و برخون هزاران هموطن هر دم شهید ما هر روز با اشغالگران جشن می گیرند. ازینرو آنها نه به داد مردم مظلوم ما رسیده اند و نه هم کدام فری برای مردم و کشور به ارمغان آورده اند. ننگ و نفرین بر هردوی آنها و همه نوکران استعمار و اشغالگران در افغانستان. بسیار بجا خواهد بود که من بعد داکتر **ننگین** سپینتا را دیگر رنگین نه بلکه **ننگین** خطاب نمائیم!

نابود باد قوای اشغالگر در افغانستان!

مرگ بر جواسیس بیگانه!